

اسد الحق



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه

تبیین وجودشناسی فلسفه ملاصدرا بر اساس کتاب «فلسفه ملاصدرا» فضل الرحمان

قاسم حسین هاشمی

استاد راهنما

جناب آقای سلیمان حشمت

استاد مشاور

جناب آقای دکتر اسدی

شهریور ۱۳۹۰

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: تبیین وجود شناسی فلسفه ملاصدرا بر اساس کتاب «فلسفه ملاصدرا»		
نویسنده: فضل الرحمان		
مترجم: قاسم حسین هاشمی		
استاد راهنما: رضا سلیمان حشمت استاد مشاور: محمدرضا اسدی استاد داور: قاسم پورحسن		
نوع پایان نامه:	بنیادی	توسعه ای O کاربردی O
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۹۰	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
تعداد صفحات:	گروه آموزشی: فلسفه	
کلیدواژه ها به زبان فارسی: ملاصدرا، فضل الرحمان، وجود، ماهیت، هستی شناسی		
کلید واژه به زبان انگلیسی: mulla sadra , fazlur rahman , existence , essence ,ontology		

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

تقدیر و تشکر

با عرض سپاس و امتنان بی پایان به محضر شریف استادان بزرگواری که از محضر پرفیضشان بهره های علمی و اخلاقی فراوان نصیب پی جویان دانش و فضیلت می گردد بویژه استادان ارجمند و گرانمایه جناب آقای دکتر رضا سلیمان حشمت که راهنمایی این رساله را قبول فرمودند و جناب آقای دکتر محمدرضا اسدی که در مراحل مختلف از مشورت ایشان برخوردار بودم و جناب آقای دکتر قاسم پورحسن خالصانه تشکر و قدر دانی می کنم. همچنین از دوستان عزیزم آقایان مهدی قائد شرف و مهدی خسرو شاهی و مصطفی صادقی که مرا در انجام این تحقیق یاری نمودند تشکر و قدر دانی می نمایم و از خداوند تبارک و تعالی توفیق روزافزون و سلامتی کامل از برای آن بزرگواران را خواستارم.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳۶	فصل ۱) هستی شناسی
۳۶	۱) مابعدالطبیعه وجود
۳۶	۱-۱) وجود
۴۲	۱-۲) مجادله با اصالت ماهیتی‌ها
۴۷	۱-۳) تشکیک وجود
۵۱	۱-۴) تنش میان وحدت انگاری و کثرت انگاری
۵۷	۲) ماهیت
۷۲	۳) علت ۱: ذات علیت
۷۲	۳-۱) ارتباط علی-معلولی
۸۲	۳-۲) امتناع تسلسل علل
۹۲	۴) علت ۲: رابطه جهان و خدا
۹۲	۴-۱) علت فاعلی و علت غایی
۱۰۴	۴-۲) ارتباط جهان و خدا
۱۱۹	۵) حرکت، زمان و نظم جهان
۱۱۹	۵-۱) حرکت
۱۴۲	۵-۲) زمان

۱۴۸

۳-۵) نظم جهان

۱۵۷

یادداشتها

مقدمه

در میان کتب و آثاری که درباره فلسفه ملاصدرا نوشته شده است کمتر کتابی را می توان یافت که به همه جنبه های تفکر ملاصدرا از جمله هستی شناسی، معرفت شناسی، کلام، صفات خدا، معرفت النفس، نظریه شناخت و معاد پرداخته باشد. در باب ارزش و اهمیت این کتاب این را می توان گفت که کتاب فضل الرحمان نخستین کتابی است که تقریباً درباره همه جوانب تفکر ملاصدرا به بحث و اظهار نظر می پردازد. برای آنکه اهمیت این کتاب روشن شود باید مقدماتاً گفت که پیش از این کتاب فقط سه کتاب و مقاله مهم به زبانهای اروپایی درباره ملاصدرا نگاشته شده است. نخست کتاب ماکس هورتن^۱ تحت عنوان نظام فلسفی شیرازی^۲ که به سال ۱۹۱۳ در استراسبورگ به طبع رسیده است. دوم تصحیح و ترجمه کتاب مشاعر به وسیله هانری کرین و مقدمه مفصل و عالمانه ای که وی به زبان فرانسوی بر این اثر مهم نگاشته است. سه دیگر مقاله مفصل آقای دکتر نصر درباره ملاصدرا و مکتب او در کتاب تاریخ فلسفه اسلامی م.م. شریف^۳. همچنین سه کتاب دیگر درباره ملاصدرا نوشته شده است که هرچند به برخی از جنبه های فکری ملاصدرا می پردازد اما حق همه جوانب تفکر ملاصدرا را ادا نمی کند، این سه کتاب عبارت است از:

(۱) وجود، عقل و شهود نزد ملاصدرا نوشته ابراهیم کالین^۴

(۲) فلسفه متعالی ملاصدرا نوشته محمد کمال^۵

(۳) حکمت متعالیه نوشته جیمز وینستون موریس^۶

^۱- Max Horten

^۲- das philosophische system von schirazi

^۳- M.M.Sharif

^۴-Ibrahim Kalin, Mulla Sadra on Existence, Intellect and Intuition.

^۵- Muhammad Kamal , Mulla Sadra's Transcendent Philosophy

بنابراین می‌توان گفت که حسن و اهمیت و ویژگی این کتاب این است که به صورت مجمل و کوتاه و در برخی موارد به صورت مبسوط و مفصل به همه جوانب آراء و نظریات ملاصدرا پرداخته است و ما کمتر کتابی را می‌توانیم پیدا کنیم که این ویژگی را داشته باشد.

در این مقدمه ابتدا به معرفی نویسنده می‌پردازیم و سپس مسائلی را که وی به صورت کوتاه و مختصر شرح و توصیف و تبیین کرده را به صورت مبسوط شرح می‌دهیم و آنگاه به تحلیل خود کتاب و نظریات نویسنده می‌پردازیم.

معرفی اجمالی نویسنده کتاب:

فضل الرحمان در ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۹ (۲۹ شهریور ۱۲۹۸) در پاکستان به دنیا آمد. پدر وی مولانا شهاب الدین از علمای دین بوده و تحصیلات دینی خود را در مدارس دینی دیوبند به اتمام رسانده بود. فضل الرحمان تحصیلات دینی خود را در فقه، حدیث، تفسیر، کلام و فلسفه در نزد پدر و با راهنمایی او انجام داد و در دانشگاه پنجاب در شهر لاهور تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته ادبیات عرب در سال ۱۹۴۲ به پایان رساند. پس از سه سال فعالیت تحقیقاتی در همین دانشگاه در سال ۱۹۴۶ - یک سال قبل از ایجاد پاکستان - برای ادامه تحصیل به آکسفورد رفت و در سال ۱۹۴۹ پایان نامه تحصیلی خود را در باره ابن سینا و با عنوان «فلسفه ابن سینا» به اتمام رساند. وی پس از فراغت از تحصیل، در دانشگاه دورهام از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۸ به تدریس فلسفه اسلامی و ادبیات فارسی پرداخت. سپس به مدت سه سال در انستیتوی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا مشغول تدریس و تحقیق شد. در سال ۱۹۶۱ به دعوت ژنرال ایوب خان به موسسه تحقیقات اسلامی ملحق شد و یک سال بعد به ریاست این مؤسسه منصوب گردید. فضل الرحمان تا سال ۱۹۶۸ با نوشتن مقالات متعدد و نیز کتاب اسلام به تبیین آراء خود

^۶- James Winston Moris, The Wisdom of Throne

درباره چگونگی مواجهه با تجدد و نیز انطباق احکام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام در دنیای جدید پرداخت. به دنبال انتقادات تند عده ای از علما و از جمله ابوالاعلی مودودی از نظریات فضل الرحمان که منجر به تحریم کتاب اسلام او و نیز تهدید به ترور شد، از پاکستان به آمریکا رفت و پس از دوره ای کوتاه در سال ۱۹۶۹ که در دانشگاه UCLA به فعالیت پرداخت به دانشگاه شیکاگو رفته و تا پایان عمر خود (۲۶ جولای ۱۹۸۸ برابر با ۴ مرداد ۱۳۶۷) در دانشگاه شیکاگو به تدریس و تحقیق پرداخت. (علمی، ۱۳۸۶، ۷۳). فضل الرحمان از روشنفکران مسلمان پرکار و تاثیرگذار است. او تالیفات متعددی اعم از کتاب و مقاله دارد که در آنها به موضوعات متنوعی پرداخته است. فلسفه، تاریخ، فقه، حقوق، اقتصاد، سیاست، پژوهش های قرآنی، نسبت میان اسلام و ادیان دیگر و نهایتاً مدرنیسم و اصلاح طلبی اسلامی از جمله این موضوعات است که هریک به نحوی دل مشغولی و دغدغه فکری فضل الرحمان بوده اند. آثار وی تا حدود زیادی متناسب با ادوار و فراز و نشیب های زندگی اوست.

کتاب های مهم فضل الرحمان عبارتند از:

- ۱- وحی در اسلام: فلسفه و سنت
- ۲- علم النفس ابن سینا
- ۳- نظریه ابن سینا درباره رابطه خدا- جهان
- ۴- وجود و ماهیت نزد ابن سینا: اسطوره و واقعیت
- ۵- رابطه خدا و جهان در نظر ملاصدرا
- ۶- نظریه معرفت ملاصدرا
- ۷- روش شناسی اسلامی در تاریخ
- ۸- اسلام
- ۹- تغییرات درون دینی در اسلام قرن حاضر

- ۱۰- اسلام: چالش ها و فرصت های امروز
- ۱۱- منابع پویایی در اسلام
- ۱۲- مطالعات اسلامی و آینده اسلام
- ۱۳- مبانی اقتصادی اسلام
- ۱۴- اسلام و مساله عدالت اقتصادی
- ۱۵- اسلام و فعالیت سیاسی: سیاست در خدمت دین
- ۱۶- اصل شورا و نقش امت در اسلام
- ۱۷- بحثی تازه درباره تفسیر شورا
- ۱۸- مضامین اساسی در قرآن
- ۱۹- اسلام و مدرنیته: تحول در سنت فکری
- ۲۰- احیا و اصلاح در اسلام: پژوهشی درباره بنیادانگاری اسلامی

همچنین فضل الرحمان مقالات متعددی در زمینه های اسلام، خانواده و مسائل پاکستان نوشته است که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- برخی مفاهیم اخلاقی کلیدی در قرآن
- ۲- جایگاه زن در قرآن
- ۳- مفهوم قرآنی خدا، انسان و جهان
- ۳- ترجمه قرآن
- ۴- تفسیر قرآن
- ۵- اندیشه مدرن در اسلام
- ۶- اندیشه مسلمان مدرن
- ۷- مدرن سازی اسلامی در شبه قاره هند و پاکستان
- ۸- تاثیر مدرنیته بر اسلام

- ۹- مدرن سازی اسلامی: گستره، روش ها و جایگزین های آن
- ۱۰- تحقیقی پیرامون مدرن سازی حقوق خانواده در اسلام
- ۱۱- جایگاه زن در اسلام: تفسیری متجددانه
- ۱۲- چالش ایده های نوین و ارزش های اجتماعی در جامعه اسلامی
- ۱۳- اسلام و تندرستی (برخی چشم اندازهای کلامی، تاریخی و جامعه شناختی)
- ۱۴- اسلام و طب، نگاهی کلی
- ۱۵- مواجهه مسلمانان با مساله تنظیم خانواده
- ۱۶- اسلام و سلامت / درمان: دورنمایی تاریخی
- ۱۷- پیاده سازی مفهوم اسلامی حکومت در شرایط اجتماعی پاکستان
- ۱۸- برخی بازتاب های اساسی جامعه اسلامی در پاکستان
- ۱۹- راه حل قرآنی مساله آموزش در پاکستان
- ۲۰- جریان های اندیشه دینی در پاکستان
- ۲۱- اسلام و مساله قانون اساسی پاکستان
- ۲۲- تجربه ایدئولوژیک پاکستان
- ۲۳- اسلام و قانون اساسی جدید پاکستان
- ۲۴- اقبال، دورانیش، جناح، فناور، پاکستان و واقعیت
- ۲۵- برخی مسائل اساسی در دودره ایوب خان
- ۲۶- اسلام در پاکستان (آقایی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱)

اصالت وجود یا ماهیت:

یکی از بحث های بسیار مهمی که پایه و اساس مباحث فراوانی در فلسفه شده، بحث اصالت وجود یا ماهیت است. ابتدا لازم است که مقدمه ای درباره ی منشا پیدایی بحث اصالت وجود یا ماهیت بیان شود زیرا همواره فهم درست هر مساله ای در گرو درک صحیح خاستگاه و سرمنشا آن است. به عبارت دیگر، شناخت ریشه های بحث از گام های اساسی و اولیه بررسی و شناخت آن بحث خواهد بود و بدین طریق است که می توان موضوع اصلی خود را در هر بحثی به شیوه ی مناسب دنبال کرد.

در فلسفه قاعده ای وجود دارد که می گوید «کل ممکن زوج ترکیبی له ماهیه و وجود» یعنی هر شیء ممکن زوج ترکیبی است و ماهیت و وجودی دارد و برای این قاعده دو دلیل ذکر کرده اند:

۱) هر ممکن معلول است، هر معلولی ناقص است و هر ناقصی محدود است و حد یعنی ماهیت، بدین ترتیب هر ممکن ماهیتی و وجودی دارد. (سید رضی، ۱۳۸۷، ص ۳۱)

۲) ما اشیایی را که در خارج مشاهده می کنیم می یابیم که آنها در یک امر مشترک اند و در امر دیگری جدا و متمایز از یکدیگرند و هر چه را که می بینیم «هستند» در وجود مشترک اند و همه وجود دارند. اما از طرفی همه این اشیاء در چیزهایی ممتاز و جدای از یکدیگرند. به عبارت دیگر، همگی در محمول «هست» مشترک اند ولی هر یک موضوع جداگانه ای دارند. نتیجه اینکه در همه ی اشیاء یک «هستی» است که مابۀ الاشتراک میان اشیاء است و یک «چیستی» که مابۀ الامتیاز و مابۀ التفاوت میان آنهاست. (رضی، ۱۳۸۷، ص ۳۱) بنابراین مشخص شد که هر ممکنی از دو چیز تشکیل شده است. یکی وجود و دیگری ماهیت.

حال سوالی که مطرح می گردد این است که کدام یک از وجود و ماهیت اعتباری و کدام اصیل است؟

این مساله را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان تقریر کرد و آن عبارت است از:

بعد از پذیرفتن اصل واقعیت، به این نکته پی می‌بریم که هر واقعیت خارجی در ظرف ذهن به دو امر تحلیل می‌شود: یکی از آن دو مفهوم هستی است که مشترک بین تمامی قضایای ذهنی است که در مقام حکایت از واقعیات خارجی می‌باشند و دیگری مفاهیم ماهوی است که بیانگر چیستی آن حقایقند. حال سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که این دو مفهوم، چگونه حاکی از واقعیت خارج هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۶) اگر گفته شود که این دو معنا هیچ یک حکایت از جهان خارج نمی‌کنند سفسطه لازم می‌آید، زیرا معنای آن انکار هرگونه واقعیت عینی می‌باشد. اگر گفته شود هر یک از این دو به عنوان یک معنای حقیقی، حاکی از مصداقی مختص به خود هستند، در این صورت نیز آنچه در حکم سفسطه است لازم می‌آید، زیرا مستلزم آن است که هر حقیقت خارجی در عین آن که یکی است دو حقیقت باشد.

اما کسانی هستند که قائل به اصالت ماهیتند و معتقدند که آن واقعیت خارجی، مصداق مفاهیم ماهوی است و معنای وجود صرف، مفهوم بی‌مصداقی است که از واقعیت‌های ماهوی انتزاع می‌شود و قائلین به اصالت وجود معتقدند که واقعیت خارجی، مصداق مفهوم هستی است و ماهیات اموری تبعی هستند که از نظریه حدود و مراتب وجودات خارجی دریافت می‌گردند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲۹۷)

مراد از اصالت و اعتباریت:

گاهی اصالت به معنای تقدم است و گاهی به معنای عینیت و تحقق و خارجیت به کار می‌رود. (سیدرضی، ۱۳۸۷، ص ۳۴) به عبارت دیگر آن معنایی که در اصالت در باب «اصالت وجود» مطرح است عبارت است از «عینیت داشتن» «منشا اثر بودن» «بذاته موجود بودن» «متن واقعیت را تشکیل دادن» و «اصل در موجودیت و تحقق بودن» است. وقتی گفته می‌شود وجود اصیل است، مقصود آن است که

مفهوم وجود مصداق واقعی دارد و واقع خارج مصداق حقیقی «وجود» است. اصیل چیزی است که اسناد «موضوعات و عینیت خارجی داشتن» به آن اسنادی حقیقی باشد. (فیاضی، ۱۳۷۹، ص ۷۴)

کلمه‌ی اعتباری نیز بر معنایی متعدد اطلاق می‌شود، از جمله اینکه گاه به معنای قراردادی است و بریک امر قراردادی اطلاق می‌شود، مثل اینکه می‌گویند مالکیت از امور اعتباری است، یعنی بسته به وضع و قرار داد ماست و گاهی به معنای انتزاعی به کار می‌رود مثلاً وقتی می‌گوییم «فوقیت» امر اعتباری است منظور این است که انتزاعی است و منشأ انتزاع در خارج دارد. و منظور از اعتباری بودن ماهیت، همین معنای دوم است. (رضی، ۱۳۸۷، ص ۳۴)

به عبارت دیگر، اعتباریت یعنی اینکه اسناد موجودیت و تحقق به یک چیز اسناد مجازی باشد. شیء اعتباری شیء‌ای است که واقعا وجود ندارد و اگر می‌گوییم که آن شیء موجود است، سخنی مجازی گفته و مجاز عقلی به کار برده‌ایم. بنابراین چنین چیزی حقیقتاً در عالم «اعتبار» موجود است نه در عالم حقایق و عالم اعتبار یعنی جایی که ذهن می‌تواند فرض کند بر آن واقعیتی داشته باشد. (فیاضی، ۱۳۷۹، ص ۷۴)

تعبیرات اصالت وجود:

اصالت وجود از دو جنبه کانون بحث فلاسفه بوده است: یکی اصالت وجود در جعل و دیگری اصالت وجود در تحقق. منظور از اولی این است که در معلول مجعول بالذات و معلول حقیقی همان وجود اوست نه ماهیت و نه اتصاف ماهیت به وجود. اصالت وجود در معنای دوم نیز اصطلاحی است فلسفی به معنای واقعیت عینی داشتن وجود به خودی خود و بدون نیاز به داشتن حالتی دیگر. (عشاقی، ۱۳۸۶، ص ۵۸)

در سخنان فیلسوفان، اصالت وجود با تعابیر مختلفی بیان شده است که نمونه‌هایی از آن تعابیر بدین قرارند:

- ۱) وجود حالتی جزاینکه موجود باشد ندارد.
- ۲) درحقیقت موجود همان وجود است.
- ۳) وجود به خودی خود موجود است نه به واسطه ی امری که مغایر با آن است .
- ۴) وجود به خودی خود مانع عروض عدم برذات خویش است.
- ۵) وجود عین تحقق است نه شی‌ای که تحقق داشته باشد.
- ۶) معنای وجود همان معنای موجود است.
- ۷) وجود محض تحقق عینی است بدون نیاز به مخصصی دراین زمینه.
- ۸) وجود، مصداق حکم به موجودیت است.
- ۹) وجود همان حقیقت وقوع و مابه الوقوع است.
- ۱۰) وجود درخارج مصداقی دارد که موجودیت، بالذات برآن به حمل شایع حمل می‌شود.
- ۱۱) وجود موجود است از آن جهت که وجود است.
- ۱۲) خود وجود به خودی خود، بدون انضمام هر حیثیت تقییدی، مصداق مفهوم «موجود» است.
- ۱۳) موجود در مرتبه‌ی ذاتش موجود و متحقق است.
- ۱۴) وجود در حد ذاتش، بدون انضمام و اعتبار امر دیگری، مصداق و محکوم علیه و متنوع منه معنای «موجود است».
- ۱۵) وجود به خودی خود بدون انضمام و اعتبار امر دیگری منشأ آثار خارجی و احکام واقعی است.
- ۱۶) وجود عین حیثیت ابای از عدم است.
- ۱۷) وجود موجود است به گونه‌ای که وصف «موجودیت» به خود او باز می‌گردد نه به متعلق او.
- ۱۸) حقیقت عینی وجود، مصداق ذاتی برای مفهوم وجود است.
- ۱۹) مفهوم موجود، بدون داشتن واسطه‌ای در عروض، بر وجود حمل می‌شود. (عشاقی، ۱۳۸۶، ص ۶۰)

تعبیرات اعتباری بودن ماهیت:

اعتباری بودن ماهیت نیز با تعبیر گوناگون ارائه شده است که نمونه‌هایی از آن عبارت است از:

۱) ماهیات از انحای وجود انتزاع می‌شوند، بدون اینکه در تحقق اصالتی داشته باشند.

۲) موجودیت ماهیت بالعرض است.

۳) نسبت موجودیت به ماهیت، مجازی است.

۴) ماهیات به خودی خود موجود نیستند بلکه به واسطه وجود عارض بر ذاتشان موجودند.

۵) نسبت وجود به ماهیت بر سبیل حقیقت نیست.

۶) ماهیت موجود است نه از آن جهت که ماهیت است بلکه از جهت وجود.

۷) ماهیات به خودی خود منشأ اثر نیستند بلکه به تبع وجود منشأ اثرند.

۸) وجود واسطه عروض موجودیت بر ماهیت است.

۹) ماهیت موجود است اما وصف موجودیت نه به خودش، بلکه به وجود متعلق به او باز می‌گردد. (عشاقی، ۱۳۸۵، ص ۸۶)

مقدمات بحث اصالت وجود و اعتبار ماهیت:

۱) پذیرش اصل واقعیت

پیدا است که تا این مقدمه مورد پذیرش قرار نگیرد، بحثی بر سر امراضیل هم در نگیرد. از اینرو، سوفسطائیان با انکار اصل واقعیت در واقع معتقدند که نه وجود اصیل است و نه ماهیت. به عبارت دیگر اگر واقعیتی وجود نداشته باشد نزاع بر سر اینکه آن واقعیت وجود است یا ماهیت معنایی ندارد. علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید:

«ما هرگز تردید نداریم و نباید داشته باشیم در اینکه در نخستین گامی که می‌خواهیم پس از خاموش کردن ترانه سفسطه برداریم با واقعیت اشیاء مواجه بوده و سر و کار ما با واقعیت هستی خواهد بود یعنی اصل واقعیت را اثبات نموده با غریزه غیر قابل دفع خود به جستجو و کنجکاوی از واقعیت‌های گوناگون خواهیم پرداخت.» (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۱)

۲) انتزاع مفهوم هستی و چیستی از هر واقعیتی.

از هر واقعیتی دست کم دو مفهوم انتزاع می‌شود: مفهوم هستی (وجود) و چیستی (ماهیت) یعنی ذهن آدمی هر واقعیت خارجی را به مفهوم وجود و ماهیت تحلیل می‌کند. به تعبیر دیگر دو مفهوم وجود و ماهیت متمایز و متباین اند و به تعبیر مشهور، وجود زاید بر ماهیت است یعنی مفهوم ما غیر هم هستند.

۳) اعتباریت ماهیت از دیدگاه معرفت شناسانه:

از نظر معرفت شناسی، به اتفاق همگان، وجود اصیل است و ماهیت اعتباری. یعنی مفهوم وجود حاکی از واقعیت است ولی مفاهیم ماهوی چنین حکایتی ندارند.

۴) وحدت مصداقی مفهوم وجود و ماهیت:

مفهوم وجود و ماهیت، هر دو از یک مصداق عینی انتزاع می‌شوند. چنین نیست که شی خارجی مرکب از دو چیز باشد که از یک بخش آن مفهوم وجود انتزاع شود و از قسمت دیگرش مفهوم ماهیت. دلیل وحدت مصداقی این دو آن است که بر یکدیگر حمل می‌شوند و درستی این حمل به خاطر آن است که هر دو یک مصداق دارند و الا حمل یکی بر دیگری ممکن نبود. (فیاضی ۱۳۷۹، ص ۷۴)

از اصالت وجود و اعتباریت ماهیت تفسیرهای متفاوت و مختلفی شده است که در اینجا به سه تفسیرش اشاره می‌کنیم.

تفسیر نخست: ماهیت به عنوان حد وجود:

برخی از پیروان حکمت متعالیه معتقدند که معنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت آن است که متن واقع را وجود پر کرده است و آن چه در خارج به عنوان امری ثبوتی و وجودی تلقی می‌شود، وجود است و ماهیت در حقیقت چیزی جز حد عدمی وجودات عینی نیست. لذا اسناد موجودیت و واقعیت از حد وجود انتزاع می‌شود و لذا ماهیت، وجودی انتزاعی دارد. (فیاضی ۱۳۷۹، ص ۷۵)

تفسیر دوم: ماهیت به عنوان خیال حد وجود:

برخی دیگر از بزرگان فلسفه معتقدند که ماهیت حتی حد وجود هم نیست. ماهیت اصلا در خارج هیچ ندارد حتی به آن معنا که عمی و جهل در خارج موجودند، وجود ندارد. آن چه در عالم واقعیت هست وجود است و وجود به عبارت دیگر ماهیت، حتی عدم مضاف هم نیست و هیچ گونه مابازایی ندارد و در خارج به صورت محتوای خارج موجود است و نه به صورت حد آن بلکه صرفا اثری است که خارج بر ذهن ما می‌نهد. (فیاضی، ۱۳۷۹، ص ۷۶)

آقای فیاضی معتقد است که هیچ از این دو تفسیر نه تنها ربطی به نظریه‌ی ملاصدرا ندارد، بلکه اصولا تفاسیری نادرست و غیر قابل قبول هستند. ولی برای ابطال این دو نظریه می‌پرسد که چه امری قائلان این دو قول را واداشته است که با وجود اعتقاد به اصالت وجود، دست از عینیت موجود بشویند و عینیت وجود و ماهیت را با هم برنتابند... سپس پاسخ می‌دهد که سر مطلب در این است که اینان در مقدمات این بحث، مقدمه‌ای را مسلم فرض کرده‌اند و اگر چه نامی از آن به میان نیاورده‌اند ولی ارتکازا به آن معتقد بوده و به مقتضای آن به چنین دیدگاهی رسیده‌اند و آن مقدمه این است که واقع خارجی بسیط، مصداق واقعی بیش از یک مفهوم نیست و وقتی دو یا چند مفهوم با یکدیگر مغایر باشند نمی‌توان مصداق آن مفهوم‌ها را شیء واحدی دانست (فیاضی، ۱۳۷۹، ص ۷۷)

تفسیر سوم: اصالت وجود و عینیت ماهیت:

آقای فیاضی پس از بیان نادرستی دو تفسیر رایج از نظریه اصالت وجود نظر سوم را مطرح می‌کند و آن این است که: علاوه بر این که وجود واقعیت عینی دارد و اصیل است، ماهیت نیز به عین وجود، واقعیت حقیقی و عینی پیدا می‌کند به گونه‌ای که اسناد موجودیت به هر کدام از وجود و ماهیت، اسنادی حقیقی است. به این معنا که امر واقعی واحد، بعینه، هم مصداق حقیقی وجود است و هم مصداق حقیقی ماهیت

بی‌آنکه در خارج بین این دو تفاوتی باشد. به عبارت دیگر واقعیت داشتن هر دو به معنای دو واقعیت متمایز از هم نیست بلکه به این معنا است که این دو عین هم هستند. در خارج یک واقعیت بیش نیست ولی همان واقعیت واحد هم مصداق واقعی وجود است و هم مصداق واقعی ماهیت. (فیاضی، ۱۳۷۹، ص ۷۸)

ادله اثبات اصالت ماهیت:

معروفترین و مشهورترین کسی که در باب اصالت ماهیت سخن گفته است سهروردی است. در اینجا به دو استدلال وی اشاره می‌کنیم.

استدلال اول:

سهروردی می‌گوید هر امری که از تحقق و عینیت و ثبوتش در خارج تسلسل لازم آید آن امر باید اعتباری باشد و هرچه مستلزم محال باشد خود نیز محال خواهد بود و تسلسل امری محال است پس هرچه مستلزم تسلسل باشد آن هم محال است. وی می‌گوید بنا بر اصالت وجود گفته می‌شود که الوجود موجود، اما الوجود موجود یعنی چی؟ یعنی شیء له الوجود، یا ذات له الوجود. پس برای این وجود وجودی هست. حال آیا این وجود دوم هم موجود است و وجود دارد یا ندارد؟ لامحاله خواهید گفت وجود دارد. سؤال در این وجود سوم می‌کنیم که آیا این وجود سوم هم وجود دارد یا ندارد؟ مسلماً پاسخ خواهید داد که آن هم وجود دارد و ذات ثبت له الوجود استو هلم چرا که از تحقق هر وجودی، وجود دیگری لازم می‌آید و تحقق هر وجودی متوقف بر وجود های غیرمتناهی مترتب است پس چون مستلزم تکرار غیرمتناهی وجودها و تسلسل در وجود است و تسلسل هم امری محال است هرچیز که مستلزم محال باشد خود نیز محال خواهد بود. بنابراین تحقق وجود امری محال و قول به اصالت آن باطل است زیرا بدیهی است که یک شیء غیر متناهی وجود ندارد. (مجموعه مصنفات، ج ۱، ص ۱۶۴)

استدلال دوم: استدلال از طریق لازم آمدن تسلسل در نسب:

اگر وجود امری عینی، یعنی موجود باشد وصفی حقیقی برای ماهیت خواهد بود و اگر وجود وصف حقیقی ماهیت باشد، با ماهیت خود نسبت خواهد داشت، نمی شود چیزی وصف حقیقی چیزی باشد اما با آن ارتباط و نسبتی نداشته باشد حال اگر وجود با ماهیت نسبت داشته باشد آن نسبت وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر اینکه وجود با ماهیت نسبت دارد به این معناست که نسبت بین وجود و ماهیت هم در خارج وجود دارد. اگر نسبت بین وجود و ماهیت دارای وجود باشد، آنگاه وجود وصف حقیقی آن نسبت خواهد بود و با آن نسبت نسبتی خواهد داشت و این ارتباط و نسبت نیز وجودی خواهد داشت که آن وجود نیز نسبتی و به همین ترتیب به تسلسل خواهد انجامید. نتیجه اینکه تسلسل محال است پس وجود موجود نیست. (مجموعه مصنفات، ج ۱، ص ۲۴)

نکته ای که در اینجا باید ذکر کرد این است قائلان به اصالت ماهیت، اولاً وبالذات در صدد اثبات تحقق ماهیت در خارج نبوده اند بلکه آنچه در مقام احتجاج و استدلال مطلوب آنان بوده عبارت است از نفی واقعیت داشتن وجود، یعنی اثبات اعتباری بودن آن، اما ادله آنان اگر تمام باشد به نحو غیر مستقیم و به دلالت التزام، اصالت ماهیت را نیز اثبات می کند. (فیاضی ۱۳۸۷، ص ۱۸۳)

معانی ماهیت:

ماهیت مصدری جعلی است که از «ماهو» گرفته شده و در اصل «ماهیت» بوده که پس از مخفف شدن به صورت «ماهیت» در آمده است و مرادف فارسی آن «چیستی» است. مفاهیم ماهوی مفاهیمی هستند که ذات و ذاتیات مصادیق خود را منعکس می سازند و بیان می کنند که اشیاء خارجی «چه چیزی» هستند. از اینرو اگر به شیء خاصی اشاره کنید و بپرسید که «این چیست؟» آنچه در پاسخ این پرسش آورده می شود ماهیت آن شیء را تشکیل می دهد. پس ماهیت به معنای اول عبارت است از «ما يقال فی جواب